

بخش ویژه

مشارکت شهری

## سازمان‌های غیردولتی، راهبرد مشارکت سازمان یافته

مقدمه:

در تحلیل وضعیت و قلمرو کار و همچنین رویکرد سازمان‌های غیردولتی، به بیان مسائل، نیازها، حیطه عمل، و راهبردهای ساختاری آنها در فرایندی مشارکتی پرداخته می‌شود. این نهادهای مردمی در فرایند مشارکتی مذکور، نقش واسطه‌ای خود را به خوبی بین مردم و دولت ایفا می‌کنند. بر این اساس، تقویت ارتباطات اجتماعی و تعمیق و نهادینه کردن مشارکت از اولویت‌های راهبردی این نهادها به شمار می‌رود.

اعلام نیازهای واقعی مردم به وسیله سازمان‌های غیردولتی، تنها از طریق سازماندهی و نهادینه کردن مشارکت‌های مردمی در عرصه‌های مختلف فعالیت میسر می‌شود. از این رو با تقویت، حمایت، و توانمندسازی آنها، نیازهای جامعه به گونه‌ای واقعی اعلام می‌گردد. تقویت و توانمندسازی این تشکل‌ها و پایداری کارکردی آنها، به مشارکت سازمان یافته و نهادینه کردن آنها سامان می‌دهد. در حرکت مشارکتی سازمان‌های غیردولتی، دیدگاه‌ها و مبنای نظری زیر مورد تأکید قرار می‌گیرد:

- نگرش روحیه داوطلبی برای مشارکت، همواره از ویژگی‌های بارز تشکل‌های مردمی به شمار می‌آید.
- سطح تعمیق مشارکت اجتماعی نهادهای مردمی، ملاک ارزیابی و اجرای داوطلبانه فعالیت‌هاست.

اصغر ارجمندنیا  
دکتر در شهرسازی

فصلنامه مدیریت شهری / شماره ۵ / بهار ۱۳۸۰

● نظام مدیریتی باز و مشارکتی سازمان یافته، از میانی و راهبردهای حاکم بر فعالیت تشکل هاست.  
● شکل بخشیدن به نیروهای اجتماعی مشارکتی، راهبرد خروج از چارچوب‌های بسته مدنظر است.  
● نهادینه کردن مشارکت‌های مدنی در تشکل‌ها، رویکردی بنیادی است.  
براین اساس سازمان‌ها و تشکل‌های مردمی، که از ارکان اصلی جامعه مدنی به شمار می‌روند، قانونمند، ضابطه‌مند، داوطلبانه، مشارکت‌جو، و سازمان یافته، بستر گذر مردمی را به جامعه مردم‌سالار هموار می‌سازند. (۱)

#### مشارکت و مفاهیم آن:

مشارکت، پیشینه‌ای تاریخی دارد. عمل مشارکت، با مفاهیم همبستگی، همکاری، یاری، اتحاد، انجمن و نظایر اینها همراه است. مشارکت تعهدی فعالانه، آگاهانه، آزادانه و مسئولانه است، و یکی از سازوکارهای اعمال قدرت به شمار می‌رود که تنها می‌تواند از درون برخیزد. تبلور واقعی مشارکت در جمع روی می‌دهد و در جمع بازتاب می‌یابد. از این روست که مشارکت فرایندی اجتماعی به شمار می‌رود. مشارکت آغاز و انجام دارد، مستقل از افراد است و بدون ارتباط قومی و فرهنگی صورت می‌گیرد. مشارکت آزادانه است، و ممکن است هر لحظه قطع شود؛ خروج از آن نیز با تنبیه روبه رو نیست. مشارکت امری است ارادی، قانونمند و قانون‌مدار. مشارکت، داوطلبانه و در عرصه‌های اجتماعی نانوخته است؛ از متن جامعه نیرو می‌گیرد و در فرایند اجتماعی تبلور می‌یابد. امر مشارکت همراه با تحولات اجتماعی سازگار می‌شود و با رویکردها و نگرش‌های هر جامعه، و نیازها و نهادهای آن انطباق می‌یابد.

هرچه تحول جامعه سمت و سوی دموکراتیک به خود بگیرد، اهمیت مشارکت و همچنین نقش و جایگاه آن در فرایند تکامل اجتماعی بیشتر آشکار می‌شود.

مشارکت فرایندی از خودآموزی اجتماعی و مدنی است، زیرا فعالیت برای مشارکت، مستلزم تغییر حالت ذهنی و روانی در تمامی سطوح اجتماعی است. این تغییر موجب برقراری مناسبات اجتماعی و انسانی جدید می‌شود. خودگردانی، تجسم دموکراسی مشارکتی است (۲).

#### مشارکت و توسعه:

در چهار دهه گذشته، مفاهیم اقتصادی و اجتماعی متحول شده‌اند اما مفهوم مشارکت همواره در عمق فرایند توسعه جای گرفته و اهمیت روزافزونی یافته است.

دهه ۱۹۶۰ که دهه توسعه نام گرفت، باعث مطرح شدن شور و هیجان ناشی از رویکردهای استعمارزدایی و استقلال سیاسی کشورهای جهان سوم، اهمیت جنبش‌های مردمی، تأثیر عوامل انسانی ناشی از مشارکت، و نیز حضور مردم در فرایند توسعه گردید.

در دهه ۱۹۷۰، و به ویژه در سال‌های اولیه آن، که رکود اقتصادی و بحران انرژی را به همراه داشت، مردم قادر به تأمین نیازهای خود نبودند. بازتاب چنین شرایطی، ضرورت تجدیدنظر در سیاست‌ها و راهبردهای توسعه را مطرح ساخت و در نتیجه، جست‌وجوی رهیافت‌های مناسب توسعه در این دهه، به طور گسترده‌ای پیگیری و دنبال شد. در پی چنین تلاش‌هایی، یونسکو در نوزدهمین اجلاس عمومی خود در سال ۱۹۷۶ در نایروبی، رهیافت «توسعه درون‌زای انسان - محور» را مطرح ساخت و لزوم اجرای آن را در برنامه‌های توسعه اعلام کرد. در این رهیافت، لزوم مشارکت بیش از پیش مورد تأکید قرار گرفت و به محور اساسی توسعه بدل گردید. (۳)

نخستین هدف توسعه «انسان - محور»، دستیابی به نیازهای اساسی انسانی بود. این هدف بر گروه‌ها و قشرهای محروم اجتماعی تأکید بسیار داشت. در توسعه درون‌زای مشارکت نقش و جایگاه مهمی پیدا کرد و از

جمله محورهای بنیادین توسعه درون‌زا قلمداد شد. در توسعه درون‌زاست که مردم آگاهانه از هویت خود حفاظت می‌کنند و از اندیشه و خرد جمعی نیرو می‌گیرند. از این رو، مشارکت مردم در این فرایند، شرط اساسی عملی است که بخشی از جنبه‌های عملیاتی توسعه را تشکیل می‌دهد. (۴)

اساساً نظریه توسعه، با توجه به هدف و محتوای خود، اهمیت مشارکت را در همه سطوح - از تصمیم‌گیری در تعیین هدف و تعیین نیازها گرفته تا اجرا و ارزیابی برنامه - در بر می‌گیرد.

مشارکت در عین حال که هدف است، یکی از نیازهای اساسی بشری نیز به شمار می‌رود. کنفرانس اصلاحات کشاورزی و توسعه روستایی در ژوئیه ۱۹۷۹ در رم، مشارکت را «حق اساسی بشر» دانسته است. دهه ۱۹۸۰ را دهه توسعه اقتصادی با نگرش‌های جدید، و طرح رهیافت‌های توسعه پایدار و حفظ محیط زیست و مشارکت بر شمرده‌اند. آخرین دهه قرن بیستم نیز دهه توسعه پایدار و اعلام دهه توسعه انسانی، و اعلام ضرورت به کارگیری و نهادینه کردن مشارکت مردمی در روند توسعه پایدار خوانده می‌شود. (۵)

بر این اساس، برای دستیابی به توسعه پایدار بر پایه مشارکت مردمی، نکات و شرایط زیر مدنظر است:

- مشارکت مردمی، شرط بنیادی تدوین و عملی ساختن توسعه پایدار است.
- توسعه پایدار، باید کاملاً با خواست‌ها و نیازهای واقعی مردم سازگار باشد.
- شرایطی که طی آن، مشارکت کارایی لازم را خواهد داشت، متعدّدند.
- علاوه بر اراده سیاسی دولت، باید ابزارهای قانونی و نهادهای اجتماعی دیگر که مکمل فرایندهای سستی پارلمانی و اداری‌اند، و همچنین برخی مشخصه‌های لازم برای شرکت‌کنندگان، وجود داشته باشد.
- سوادآموزی، اطلاع‌رسانی، و ارتباطات، آموزش، و ارتقاء فرهنگی از مبانی مشارکت و توسعه به شمار می‌روند.

### اعلام نیازهای واقعی مردم به وسیله سازمان‌های غیردولتی، تنها از طریق سازماندهی

و نهادینه کردن مشارکت‌های مردمی در عرصه‌های مختلف فعالیت میسر می‌شود

### مشارکت تعهدی فعالانه، آگاهانه، آزادانه و مسئولانه است، و یکی از سازوکارهای

اعمال قدرت به شمار می‌رود که تنها می‌تواند از درون برخیزد

#### انواع مشارکت:

مشارکت در مسیر تحول خود، مراحل مختلفی را پشت سر گذاشته است:  
(۱): مشارکت ابتدایی و رسمی، که بیشتر به گفت‌وگو با مردم تعبیر شده است. این شیوه، عمدتاً در نهادهای مذهبی رواج دارد.

(۲): مشارکت «رفتار گرایانه» و «شرطی»، که نوعی بسیج اجتماعی است.

(۳): مشارکت «ادغام‌گرا»، که بر «ادغام و یکپارچگی اجتماعی»، «ادغام فرهنگی» یا «اجتماعی کردن» مبتنی است.

(۴): مشارکت به عنوان فرایند اجتماعی، عام و چندجانبی که با همه گروه‌های مردم ارتباط دارد.

این مشارکت، پیشرفته‌ترین مفهوم و نوع مشارکت است و فرایند عام نامیده می‌شود که جزء مهمی از طرح سیاسی ملی است؛ یعنی در واقع فرایندی جامع است که مردم در هر مرحله از توسعه شرکت دارند.

(۵): مشارکت فرایندی چندجانبه است که اشکال گوناگون فعالیت اجتماعی را، مانند فعالیت‌های فرهنگی، اجتماعی و نظایر اینها، در بر می‌گیرد.

(۶): مشارکت فرایندی است چند بعدی، و مشروعیت آن تنها به دولت وابسته نیست بلکه خودمختاری اجتماعی، انجمن‌ها، نهادها، تشکل، اتحادیه‌ها و مردم آن را تعیین می‌کنند.

(۷): مشارکت فرایندی چندفرهنگی است، زیرا همه اجزای فرهنگی و قومی تشکیل‌دهنده جامعه را در بر می‌گیرد. (۶)

شرایط عمده تحقق مشارکت:

شرایط عمده زیر جلب مشارکت را امکان‌پذیر می‌سازد:

● اطلاع‌رسانی در عمق مشارکت نهفته است و تقسیم عادلانه آن تا حدودی معادل با سهیم شدن در قدرت است.

● کارایی و اثربخشی مشارکت به سطح آموزش، و صلاحیت کسانی که در این گفت‌وگو شرکت دارند، و همچنین به حجم و کیفیت اطلاعات ارائه شده، و به زمانی که به بررسی هر موضوع خاص آن اختصاص می‌یابد بستگی دارد.

● مشارکت مستلزم تجدید مناسبات اجتماعی است. (۷)

● نهادینه شدن مشارکت، با شکل‌گیری طیف تشکلیها و نهادهای جامعه متقارن است. از این رو، نهادینه شدن و پایداری مشارکت مستلزم رویکردهای زیر است:

● اهمیت و جایگاه مشارکت و تأثیر آن در تعمیق جامعه مدنی، به عنوان یکی از راهبردهای نهادینه کردن مشارکت شناخته شود.

● مشارکت به عنوان یکی از شرایط اساسی و موفق برنامه‌های توسعه الزامی است.

● تحقق امر مشارکت، مستلزم نهادینه کردن آن است. مشارکت زمانی کارآمد و پایدار می‌ماند که نهادینه

شود. (۸)

● حق تشکیل اجتماعات، انجمن‌ها و جمعیت‌ها، در قوانین همه کشورها به عنوان یکی از حقوق اساسی شهروندان تأیید و نهادی شده است. با این حال مشارکت قوانین خاصی ندارد. بلکه نوعی فضا و جو است، یا نوعی تغییر روحیه و ایجاد روابط اجتماعی مناسب است که خود منجر به تأثیر در رفتارها و ایجاد گروه‌ها و نهادهای میانی جامعه می‌شود.

**مشارکت فرایندی از خودآموزی اجتماعی و مدنی است، زیرا فعالیت برای مشارکت،**

**مستلزم تغییر حالت ذهنی و روانی در تمامی سطوح اجتماعی است. این تغییر موجب**

**برقراری مناسبات اجتماعی و انسانی جدید می‌شود**

**تحقق امر مشارکت، مستلزم نهادینه کردن آن است. مشارکت زمانی کارآمد و پایدار**

**می‌ماند که نهادینه شود**

**محدودیت‌ها و موانع مشارکت متشکل:**

در فرایند شکل‌گیری نهادهای مدنی و سازماندهی مشارکت، موانع و تنگناهای بسیاری فراروی سازمان‌های غیردولتی است. به طور کلی تا دستیابی به مشارکت سازمان‌یافته و نهادینه راه درازی در پیش است، زیرا هنوز موانع بازدارنده زیادی برای تحقق امر مشارکت وجود دارد. آگاهی که محور اساسی مشارکت است هنوز وجود ندارد. مشارکت نیازمند بستری قانونمند، آگاه و مشارکت‌طلب است.

محدودیت‌های عمده برای دستیابی به مشارکت عبارتند از:

● محدودیت‌های ساختاری (نبود سازماندهی و زیرساخت‌های ارتباطی)

● محدودیت‌های فرهنگی - اجتماعی (نبود یکپارچگی فرهنگی، زبان، و جز اینها)

● محدودیت‌های نهادی (رویکردهای نخبه‌گرا - دیدگاه‌های تحمیلی متخصصان و نظایر اینها)

● محدودیت‌های قانونی (نبود قوانین و مقررات ویژه ناظر بر روند تحول تشکلیها)

● محدودیت مالی و مشکلات ناشی از آن

● محدودیت‌های مربوط به حرکت جدید سازمان‌های غیردولتی

● عدم شناخت جایگاه سازمان‌های غیردولتی. (۹)

**چالش‌های سازمان‌های غیردولتی:**

سازمان‌های غیردولتی در مسیر شکل‌گیری و در روند فعالیت‌های خود با چالش‌های ساختاری و کارکردی درونی و بیرونی مختلفی، که دارای تأثیر بازدارنده بر فرایند فعالیت‌ها هستند، روبرو می‌روند.

**چالش‌های درونی:**

● در روند سازماندهی و ساماندهی، و در رویکردهای ورود به عرصه‌های فعالیت‌های امروزی، بیشتر این سازمان‌ها هنوز متکی بر ساختار مدیریتی سنتی‌اند و ساختار سازمانی ضعیفی دارند. این در حالی است که آنها در

رویکردهای امروزی جامعه مدنی نیز وارد شده‌اند.

- سازمان‌های غیردولتی هنوز خودآگاهی لازم را به حد کافی ندارند و از جایگاه و نقش اثرگذاری خود در ابعاد اجتماعی و قلمرو حقوق نهادهای مدنی آگاه نیستند، و به نوعی فرمالیسم دچارند.
- بسیاری از این نهادهای جامعه مدنی، در مواجهه با عرصه‌های فعالیت، فاقد برنامه و نظام مدون فعالیتی‌اند و توان لازم را ندارند.
- شفافیت و پاسخگویی، که از ویژگی‌های بارز تشکلهای غیردولتی است، در بسیاری از این نهادهای جامعه مدنی وجود ندارد.
- اینها از نظر ارتباطات بین سازمانی، و نیز ارتباطات بین‌المللی، با چالش‌های بسیاری روبه‌رویند.

#### چالش‌های برونی:

سازمان‌های غیردولتی با چالش‌های بیرونی زیر نیز مواجه‌اند:

- هنوز این تشکلهای سطح جامعه و نهادهای دولتی شناخته شده نیستند، و کمتر به نقش و سهم آنها در حل معضلات اجتماعی و کمک به بخش دولتی توجه می‌شود.
- چالش عمده این سازمان‌ها، عبور از شرایط سخت ثبت و مراحل قانونی طولانی آن است.
- به رغم اینکه دولت ضرورت تعمیق نهادهای مدنی را اعلام کرده لکن هنوز فرصت‌ها و شرایط لازم برای حضور و مشارکت سازمان‌های غیردولتی فراهم نشده است و اقدامات در دست انجام، پاسخگوی نیازهای مشارکتی نیست.
- رابطه بین دولت و سازمان‌های غیردولتی، نابرابر و وزنه تصمیم‌گیری و تمرکز دولتی بسیار سنگین است و سازمان‌های غیردولتی امکان نزدیک شدن به بخش دولتی را به منظور مشارکت ندارند. (۱۰)

**دستاوردهای سازمان‌های غیردولتی:**

سازمان‌های غیردولتی پیشگامان تعمیق مردم‌سالاری در جامعه به شمار می‌روند. تلاش این نهادهای جامعه مدنی در عرصه‌های اجتماعی، دستاوردهای زیر را به همراه دارد:

- بسط اندیشه حقوق شهروندی، از طریق گسترش گفت‌وگو
- بسط اندیشه مهندسی اجتماعی در عرصه‌های مشارکت و جلب حضور مردم. همه نیروهای اجتماعی جامعه بر این باورند که حضور بیشتر مردم، باعث تعمیق مردم‌سالاری می‌شود.
- بسط قلمرو مدنی، و گسترش مشارکت‌های مدنی در وجوه کمی و کیفی آن. (۱۱)

**سازمان‌های غیردولتی هنوز خودآگاهی لازم را به حد کافی ندارند و از جایگاه و نقش اثرگذاری خود در ابعاد اجتماعی و قلمرو حقوق نهادهای مدنی آگاه نیستند، و به نوعی فرمالیسم دچارند**

**رابطه بین دولت و سازمان‌های غیردولتی، نابرابر و وزنه تصمیم‌گیری و تمرکز دولتی بسیار سنگین است**

**ویژگی‌ها و توان‌های سازمان‌های غیردولتی:**

سازمان‌های غیردولتی، ویژگی‌ها و توانایی‌های بالقوه‌ای را در خود دارند. رجوع به ماهیت و توان‌های این نهادها که از متن جامعه سرچشمه می‌گیرند، و نیز بهره‌گیری از ظرفیت‌های آنها، پتانسیل‌ها و دستاوردهای بسیار کارآمد و کارسازی را برای حل معضلات به همراه دارد؛ از جمله:

- سازمان‌های غیردولتی، بخش مهمی از نهادهای جامعه مدنی‌اند و از این رو، از متن جامعه برآمده‌اند.
- این سازمان‌ها، مشارکت‌جو و تجربه‌گرا و کم‌هزینه‌اند.
- این سازمان‌ها مسئولیت‌پذیری فراوانی در عرصه‌های فعالیت دارند و در نتیجه احساس تعلق را بالا می‌برند.

- سازمان‌های غیردولتی مستقل از دولت و بخش دولتی‌اند.
- این نهادهای جامعه مدنی غیرانتفاعی‌اند و فعالیت آنها انگیزه سودجویی ندارد.
- حرکت این سازمان‌ها، داوطلبانه است و اینها در عرضه خدمات به مردم پیشگام‌اند.
- این نهادها نوآور و نواندیش‌اند و توان جذب مردم برای خدمات را دارند.
- سازمان‌های غیردولتی فاقد الگوپذیری، و خواهان نوشتن دائمی‌اند.

● تشکل‌های مردمی به محرکه‌های اندیشه‌ای و کارآمد و قانونمند نیاز دارند. (۱۲)

**سازمان‌های غیردولتی، راهبرد مشارکت سازمان یافته**

یکی از عمده‌ترین ویژگی‌های تشکیلاتی هر سازمان غیردولتی، دارا بودن روحیه داوطلبانه است. روحیه داوطلبانه پایه و بستر جلب مشارکت، و مشارکت محور و نیروی محرکه توسعه است. به عبارت دیگر، تعمیق و به کارگیری مشارکت، تحقق توسعه را در پی دارد. تعمیق و نهادینه کردن مشارکت راهکار و راهبرد و حرکت سازمان یافته سازمان‌های غیردولتی است و بدون به کارگیری و سازمان‌یافتن اقدامات مشارکتی، اهداف توسعه تحقق نمی‌یابد.

سازمان‌های غیردولتی خودجوش و مردمی، با تقویت حس مسئولیت‌پذیری و پرداختن به مسئولیت‌های اجتماعی، شرایط و زمینه‌های ساماندهی مشارکت را در عرصه‌های فعالیت خود فراهم می‌سازند. سازمان‌های غیردولتی، تبلوری از ایفای نقش مشارکت مردمی‌اند.

مشارکت که برآیندی از خواسته‌های جامعه است، در متن و در بستر فعالیت‌های سازمان‌های غیردولتی قرار دارد. همان‌گونه که حضور مردم در جامعه مدنی به صورت نهادهای مدنی و تشکل‌های مردمی شکل می‌گیرد، امر مشارکت نیز که تبلور حضور مردم است در قالب سازمان‌های غیردولتی نظام‌مند می‌گردد. به سخن دیگر، سازمان‌های غیردولتی بستر راهبرد مشارکت سازمان یافته جامعه مدنی‌اند.

مشارکت سازمان یافته از اهداف و راهبردهای افزایش بهره‌وری و رویکرد نهادهای مدنی است. امر مشارکت، به منزله پذیرش تحول و دگرگونی در جامعه است و به‌کرد و ارتقاء عملکردها را به همراه دارد. شرط ارتقاء و به‌کرد عملکرد نیز مشارکت سازمان یافته است.

زمانی اندیشه مشارکت در جامعه قوام می‌یابد که عناصری چون آگاهی، آزادی و حرکت داوطلبانه و سازمان یافته در آن حضور همیشگی بیابند.

پدیده مشارکت‌های مردمی، که فصل مهمی از دستور کار ۲۱ را نیز شامل می‌شود، از موضوعات پراهمیت و پذیرفته شده بحث‌های توسعه پایدار است و ضرورت برنامه‌ریزی و سازماندهی برای دستیابی به تدابیر لازم برای رویارویی با تغییرات و دگرگونی‌ها، و فراهم ساختن عرصه مناسب رشد و توسعه مشارکت‌های مردمی به خوبی احساس می‌گردد.

بنابراین، با گسترش توانمندی‌های نظام برای پاسخگویی به مشارکت مردمی، این حرکت‌ها نهادهای مردمی را با ایجاد تعادل و ثبات در بسترهای عملی، مشروعیت و مقبولیت بیشتری می‌بخشند. سازمان‌های غیردولتی، امکان تبادل آرا و تعامل رویکردها و دیدگاه‌ها و استفاده از ظرفیت‌های اندیشه موجود مشارکت برای

**سازمان‌های غیردولتی، با تقویت حس مسئولیت‌پذیری و پرداختن به مسئولیت‌های اجتماعی، شرایط و زمینه‌های ساماندهی مشارکت را در عرصه‌های فعالیت خود فراهم می‌سازند. همان‌گونه که حضور مردم در جامعه مدنی به صورت نهادهای مدنی و تشکل‌های مردمی شکل می‌گیرد، امر مشارکت نیز در قالب سازمان‌های غیردولتی نظام‌مند می‌گردد**

اداره امور جامعه را میسر می‌سازند.

دستیابی به ساختارهای فرهنگی - اجتماعی کارآمد، تنها با افزایش نهادهای مردمی، که راهگشای مشارکت برای دگرگونی‌های فرهنگی و اجتماعی جامعه‌اند، امکان‌پذیر می‌گردد. تشکل‌ها از طریق سازمان‌یافتن به مشارکت و حرکت‌های داوطلبانه مردمی، رسالت پیوند بین سنت‌های ملی و ارزش‌های مذهبی را بر عهده دارند؛ و این امر تنها از طریق سازمان‌های غیردولتی با سازماندهی و نهادینه کردن مشارکت امکان‌پذیر می‌گردد.

تحقق اهداف و تعمیق جامعه مدنی مستلزم رشد، سازماندهی و بالندگی نهادهای مدنی، و بهره‌گیری حضور و توان‌های مردمی در عرصه‌های اجتماعی، و نیز در گرو جلب مشارکت‌های مردمی و سازماندهی و نهادینه کردن آن است. از این رو، سازمان‌های غیردولتی، راهبرد مشارکت سازمان یافته تلقی می‌شوند. (۱۳)

منابع مورد استفاده:

- (۱): اصغر ارجمندنیا، با همکاری بافر نمازی، تحلیل وضعیت سازمان‌های غیردولتی ایران، مؤسسه تحقیق و توسعه پایدار، «پرشیا»، ۱۳۷۸.
- (۲): کنگره سازمان‌های غیردولتی (NGO) ها، و چالش‌های آینده، ویژه‌نامه (۷)، ۱۷ اردیبهشت ۱۳۸۰.
- (۳): هونین کاتوری و دیگران، مشارکت در توسعه، ترجمه هادی غزایی و داود طالبی، انتشارات روش ۱۳۷۹، ص ۳۹.
- (۴): نقش و جایگاه سازمان‌های غیردولتی در عرصه فعالیت‌های ملی و بین‌المللی، مجموعه مقالات همایش دفتر مطالعات و تحقیقات سیاسی و وزارت کشور، مهرماه ۱۳۷۸.
- (۵): کنگره سازمان‌های غیردولتی (NGO) ها، و چالش‌های آینده، ویژه‌نامه (۲)، ۱۷ اردیبهشت ۱۳۸۰.
- (۶): همان مأخذ.
- (۷): آذر اعرابی، سازمان‌های غیردولتی، مشارکت مردمی و توسعه پایدار، مجموعه مقالات همایش نقش و جایگاه سازمان‌های غیردولتی در عرصه فعالیت‌های ملی و بین‌المللی دفتر مطالعات و تحقیقات سیاسی وزارت کشور، مهرماه ۱۳۷۸.
- (۸): همان مأخذ.
- (۹): کنگره سازمان‌های غیردولتی (NGO) ها، و چالش‌های آینده، ویژه‌نامه (۲)، ۱۷ اردیبهشت ۱۳۸۰.
- (۱۰): همان مأخذ.
- (۱۱): برنامه عزم ملی برای حفاظت از محیط زیست، سازمان حفاظت محیط زیست، ۱۳۷۸.
- (۱۲): اصغر ارجمندنیا، مشارکت مردم و توسعه پایدار، مؤسسه تحقیق و توسعه پایدار، مرداد ۱۳۷۹.